

مطالعه تطبیقی و سنجش درجه توسعه یافتگی استان لرستان

علیرضا شیخ الاسلامی

استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بروجرد guplan@gmail.com

مریم بیرانوند زاده

کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بروجرد beyranvand@gmail.com

تاریخ دریافت ۱۳۸۸/۶/۱۷ تاریخ پذیرش ۱۳۸۸/۷/۲۹

چکیده

توسعه نیافتگی و علل آن، از دغدغه‌های بنیادین اقتصاد کشورهای در حال توسعه نظیر ایران است. مباحثی چون جهانی‌شدن اقتصاد و شتاب تاریخ و دیگر ملاحظات آینده شناختی موضوع توسعه نیز بر این دغدغه‌ها اثر افزایشی دارند. در حوزه مباحث منطقه‌ای اقتصاد ایران، استان لرستان دارای ویژگی‌های خاص و مهم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌باشد. بنابر طیف وسیعی از آمار و شاخص‌های رسمی و تحقیقی، متأسفانه روندها و گرایش‌های برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌ها در گذشته، لرستان را با انبوهی از مسائل و معضلات حل نشده و برجای مانده واگذارده است و از آنجا که یکی از نیازهای علمی - کاربردی دسترسی به آمار و اطلاعات جامع و کامل جهت برنامه‌ریزی صحیح ملی و منطقه‌ای، آگاهی از توانمندی‌های تولیدی بخش‌های اقتصادی در مناطق مختلف می‌باشد، لذا تعیین موقعیت و جایگاه مناطق مختلف در تقسیم کار و اقتصاد ملی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این پژوهش با علم به این موضوع و در راستای برنامه‌ریزی توسعه ناحیه‌ای در استان لرستان و تعیین جایگاه آن نسبت به سایر استان‌های کشور انجام و تدوین گردیده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که در سطح کشور، استان لرستان به لحاظ توسعه رتبه ۲۷ را دارا می‌باشد و به لحاظ رتبه توسعه در رده استان‌های محروم کشور قرار دارد.

واژگان کلیدی: توسعه یافتگی، ایران، لرستان، شاخص‌های توسعه.

مقدمه

در ادبیات توسعه به طور کلی سه تلقی از مفهوم توسعه ارائه شده است: توسعه به مثابه‌ی یک مجموعه اقدامات مشخص، توسعه به مثابه‌ی فرآیندهای دگرگونی بنیادی و بالاخره توسعه به مثابه‌ی مجموعه‌ای از دستاوردها و اقدامات مشخص. آنچه که در قلب اندیشه‌ی توسعه قرار دارد و محور شناخت اقدامات معطوف به اهداف توسعه و نتایج انتظاری ناشی از آن اقدامات مشخص می‌شود، شناخت عرصه‌هایی است که نیاز به تحول و دگرگونی دارند (مومنی، ۱۳۸۰، ص ۵). توسعه هدفی است که اکثر مردم آن را ضروری می‌دانند. اگرچه پیشرفت اقتصادی یکی از عوامل مهم توسعه است، اما تنها عامل نیست و دلیل آن این است که توسعه صرفاً پدیده‌ای اقتصادی نیست. بنابراین هدف اصلی توسعه باید ایجاد یک الگوی مطلوب رشد درآمد همگانی که تمام اقشار جامعه را پوشش دهد، باشد (تودارو، ۱۳۶۴، ص ۲۳۵).

برخلاف آنچه که زمانی در کشورهای توسعه یافته کنونی اتفاق افتاد، کشورهای عقب مانده امروز ایجاد برابری را جزء جدایی‌ناپذیر و عملی هدف‌ها و سیاست‌های خود می‌دانند و بسیاری از کشورهای عقب مانده باز هم برخلاف آنچه بر کشورهای توسعه یافته کنونی گذشت از طریق برنامه‌ریزی‌های ملی، توسعه جهشی و یا مستقیم را انتخاب کرده‌اند. برای این کشورها، این برابری مهم‌ترین هدف برنامه‌ریزی آنها و در کل، مهم‌ترین هدف تمام سیاست‌های مملکتی است. در شرایط کنونی اقتصاد ایران و با نگاه به حرکت توسعه‌ی اقتصادی در بستر دانیایی محوری، تعمق و بصیرت نسبت به روند تغییر و تحولات جهانی و میزان اثرگذاری آنها بر فرآیند توسعه‌ی ملی از سویی و از دیگر سوی علل و متغیرهای درون‌زای فرآیندهای توسعه‌ای و ضد توسعه‌ای در عرصه‌های ملی، منطقه‌ای و استانی بسیار مهم تلقی می‌شوند (OECD, 1996).

از مهم‌ترین عناصری که اکثریت قریب به اتفاق نظریه‌پردازان توسعه به آن توجه نموده‌اند، رابطه‌ی میان سطح توسعه‌ی ملی با سطح توانایی‌های هر جامعه در زمینه استفاده از ذخیره‌ی دانش و مهارت‌های انباشته شده در طول تاریخ و میزان توانایی آنها در به حداقل رساندن هزینه‌های ناشی از تکرار تجربیات تاریخی و پرداختن هزینه‌های ناشی از آزمون و خطاهای بی‌فرجام است. به عبارت دیگر یکی از مهم‌ترین رموز توسعه عبارت از سطح بصیرت‌های تاریخی مدیریت توسعه و نحوه‌ی کاربست تجربیات مزبور در فرآیند پیشبرد امر توسعه‌ی ملی به شمار می‌رود (مومنی ۱۳۸۵، ص ۱۸۵).

بر اساس فهرست وسیعی از انواع شاخص‌های توسعه، استان لرستان به لحاظ توسعه‌یافتگی در بین استان‌های کشور و در مجموع در اقتصاد ملی از موقعیت ضعیفی برخوردار است. با وجود منابع غنی طبیعی، تنوع آب و هوایی، آب فراوان، دشت‌های وسیع، معادن متنوع، نیروی کار جوان و فراوان و سرشار از

قابلیت‌های گردشگری و...، این استان نتوانسته است به تناسب توانمندی‌ها و فرصت‌های خود از اقتصاد ملی سهم مناسبی کسب کند. نوسانات در نرخ رشد بخش‌های مختلف استان، وضعیت توسعه‌یافتگی این استان را بسیار نامناسب‌تر جلوه‌گر می‌کند (عزتی، ۱۳۸۰، ص ۱۰).

مبانی نظری

نظریه توسعه بر پایه صادرات

این نظریه بر رشد بزرگ‌ترین شهرها و به خصوص در مناطق توسعه‌نیافته تأکید دارد. این نظریه کمبود منابع و سرمایه را عامل عمده مناطق عقب‌مانده می‌داند. بنابراین بهره‌وری اقتصادی از طریق تراکم سرمایه و ایجاد مقیاس انجام می‌گیرد. این نظریه بر پایه صادرات کمتر و به طور مستقیم به مسئله ارائه خدمات به مناطق و نواحی پرداخته است (کلانتري، ۱۳۸۰، ص ۸۵-۸۳).

تئوری نئو کلاسیک و توسعه و سیاست ناحیه‌ای

بر مبنای این نظریه رشد و توسعه ناحیه‌ای که تحت تأثیر دو عامل مکانیسم تعادل و جابجایی صورت می‌گیرد، باعث جریان آزاد منابع بین نواحی در یک کشور در بلند مدت و ایجاد نوعی تعادل بین نواحی می‌گردد. دلیل آن این است که سرمایه‌ها و منابع تحت این شرایط از نواحی با هزینه‌های بالا به نواحی با هزینه‌های پایین جابجا می‌شوند. از دیدگاه نظریه‌پردازان این تئوری، اختلاف رشد و توسعه بین نواحی یک پدیده کوتاه مدت است و کلیه نواحی می‌توانند در یک بازار آزاد و کنترل نشده و با دخالت محدود دولت‌ها با یکدیگر رقابت نمایند (عسگری، ۱۳۸۰، ص ۱۱).

تئوری نئوکیزی یا پایه اقتصادی

طرفداران این نظریه فعالیت‌های اقتصادی منطقه را به دو بخش پایه (صادراتی) و غیرپایه تقسیم می‌کنند. موتور رشد و نیروی محرکه اقتصاد منطقه را درآمد ناشی از بخش صادرات می‌دانند. (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۷) بنابراین بر اساس این نظریه رشد و توسعه ناحیه به صادرات وابسته است. صادرات به عنوان تنها متغیری که مقدار آن نسبت به دیگر متغیرها، تعیین‌کننده رشد و توسعه ناحیه بوده و تنها محرکه رشد اقتصاد ناحیه‌ای به رسمیت شناخته شده است (صرافی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۵). پترهال نیز معتقد است که مهم‌ترین هدف سیاست اقتصاد ناحیه‌ای جهت کاهش نابرابری‌های آن ایجاد اشتغال است که به کاهش بیکاری و مهاجرت فرستی در ناحیه کمک می‌کند و رشد و توسعه آن را به دنبال خواهد داشت.

نظریه قطب رشد

نظریه‌های هیرشمن و میردال شامل عناصری هستند که پرو آن را قطب رشد می‌نامد (مهندسان مشاور DHV از هلند، ۱۳۷۱، ص ۴۷). نظریه قطب رشد اساساً متمایل به کارایی اقتصادی است، اما این کارایی در مقایسه با تحلیل‌های ایستایی نظریه‌ای نئوکلاسیک، پویایی بیشتری دارد. نظریه قطب رشد بر این استدلال است که می‌توان توسعه را از طریق دستیابی به صرفه‌های تجمع (کاهش هزینه‌های ناشی از عواملی که نسبت به بنگاه خارجی، ولی نسبت به فضای قطبی داخلی اند) افزایش داد (پاپلی یزدی، رجبی سناجردی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۱). در این نظریه تأکید شده است که با سیاست گذاری منطقه‌ای می‌توان توسعه قطب‌های رشد را تقویت کرد و از این طریق منافع به هم پیوسته چندی به دست آورد. (هنسن و دیگران، ۱۳۷۶، ص ۳۶۶) در سال‌های گذشته سیاست توسعه کشور از نظریه قطب رشد تبعیت کرده است، در این راهبرد به شهرها اولویت داده می‌شود تا توسعه اجتماعی - اقتصادی شهرها موجب توسعه اجتماعی - اقتصادی روستاها شود و شهرها طی سازوکار مرسوم به «گسترش» تولید کشاورزی نواحی مجاور خود را تحرک بخشند. شواهد حاکی از آن است که با اجرای سیاست «قطب رشد» شهرها نتوانستند خدمات لازم را ارائه دهند و موجب حرکت نقاط روستایی شوند (حمصی، ۱۳۶۰، ص ۱۶).

نظریه مرکز - پیرامون

برای درک ساختار فضایی مناطق و پیش‌بینی تغییر و تحولات روند توسعه، فریدمن الگوی مرکز- پیرامون را عرضه می‌دارد. فریدمن می‌گوید: هر نظام جغرافیایی شامل دو زیرنظام فضایی است. یکی مرکز که قلب پیشتاز و پویایی نظام است و دیگری پیرامون که می‌توان آن را بقیه نظام به حساب آورد و در حالت وابستگی یا سلطه‌پذیری نسبت به مرکز قرار دارد (هیلهورست، ۱۳۷۰، ص ۲۷). رابطه مرکز- پیرامون را اصولاً می‌توان رابطه‌ای استعماری دانست. معمولاً بروزیک ساختار قطبی شده، با یک سری جابجایی عوامل اصلی تولید از حاشیه به مرکز همراه است (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۴).

روش تحقیق

روش بررسی در این پژوهش روش تحقیق با رویکردی توصیفی - تحلیلی است. محدوده جغرافیایی مورد مطالعه در این پژوهش استان‌های کشور با تأکید بر استان لرستان مشتمل بر ۹ شهرستان طبق آمار و اطلاعات سال ۱۳۸۵ است. در زمینه جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. به منظور تعیین درجه توسعه‌یافتگی استان‌های مورد مطالعه، با توجه به اهمیت شاخص‌ها و محدودیت دسترسی به آنها و همچنین، از آنجا که مقبولیت شاخص‌ها از نظر صاحب‌نظران، امری مشکل و یا حتی غیرممکن است. لذا سعی بر آن بوده است که از معیاری کلی و بین‌المللی استفاده گردد. بنابراین ملاک

انتخاب شاخص‌ها در این مطالعه، گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۴ بوده است. سپس با بهره‌گیری از روش‌های متداول در زمینه سنجش درجه توسعه‌یافتگی از جمله: تکنیک تاکسونومی عددی، مدل مورس و روش امتیاز استاندارد شده، وضعیت استان‌های کشور با تأکید بر استان لرستان از لحاظ توسعه، رتبه‌بندی و نابرابری موجود میان آنها مشخص گردیده است.

بحث و نتایج

استان لرستان از استان‌های غربی کشور است و از شمال با استان‌های همدان و مرکزی، از شرق با اصفهان، از جنوب با خوزستان و از غرب با کرمانشاه و ایلام همسایه است. بر اساس تقسیمات کشوری، در سال ۱۳۸۵ استان لرستان با مساحت ۲۸۰۶۴۰ کیلومتر مربع، دارای ۹ شهرستان با نام‌های الیگودرز، بروجرد، خرم‌آباد، دلفان، دورود، کوهدشت، ازنا، پلدختر و سلسله می‌باشد. استان لرستان به عنوان پل ارتباطی جنوب با مرکز کشور و یکی از مناطق مهم جغرافیایی، اقتصادی و دارای ظرفیت‌های بالقوه در بخش‌های معدنی، صنعتی، کشاورزی و گردشگری به عنوان استانی با توان‌های محیطی و قابلیت‌های توسعه متنوع مطرح است. اما متأسفانه به علل متعدد و نیز محدودیت‌ها و مشکلات فرا راه توسعه سرمایه‌گذاری‌ها، با مسائل و چالش‌های بسیار زیادی روبرو است. توجه به مسائلی نظیر بروز فراگیر فقر و بیکاری، وضع نامناسب توزیع درآمد، عدم امکان به کارگیری قابلیت‌های اقلیمی و طبیعی در فرآیندهای صنعتی و کشاورزی، سهم نامتناسب از تولید ناخالص ملی، نوسان‌های پر شدت روند سرمایه‌گذاری تولیدی، عدم بهره‌مندی از شرایط زیرساختی و اعتبارات عمرانی مناسب، تعطیلی وسیع کارخانجات صنعتی، عدم دانش فنی متناسب با سطح تکنولوژی موجود، محدودیت‌های منابع مالی و اعتباری، سطح محدود و بعضاً روند کاهنده‌ی بهره‌وری، میزان بالای بار تکفل خانوار و... (سند ملی توسعه استان لرستان، ۱۳۸۴)، همگی از محدودیت‌ها و نقاط ضعفی به شمار می‌آیند که در شرایط خطیر و حساس آینده که همراه با اقتضات و شرایط خاص خود، فرآیند باز تولید مدارهای عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی را بیش از پیش تداوم و شدت خواهد بخشید.

شاخص‌های مورد مطالعه

توسعه مقوله‌ای چند بعدی است و تغییراتی در همه ساختارهای جامعه را می‌طلبد. بنابراین تعاریفی که از توسعه ارائه شده است با توجه به برداشت‌ها و دیدگاه‌های افراد، متنوع و مختلف می‌باشد. برای اندازه‌گیری توسعه شاخص‌های فراوانی معرفی شده است که تمامی این شاخص‌ها معرف میزان توسعه‌یافتگی هستند. اگر توسعه به عنوان یک هدف مد نظر قرار گیرد و نتیجه آن ارضاء نیازهای اساسی انسان اعم از مادی و معنوی باشد، می‌توان شاخص‌های زیادی ارائه نمود. با توجه به مطالب فوق‌الذکر ملاک‌ها و شاخص‌هایی را

که می‌توان برای سنجش درجه توسعه‌یافتگی مورد استفاده قرار داد، تعداد قابل توجهی است (گای، ۱۳۷۴). لذا در این پژوهش سعی بر این بوده است که تمامی شاخص‌هایی را که آمار و اطلاعات آنها در دسترس می‌باشد، انتخاب گردد.

شاخص‌های جمعیتی

تراکم نسبی جمعیت، معکوس بعد خانوار شهرستان، معکوس نرخ مرگ‌ومیر شهرستان، معکوس نرخ باروری شهرستان، متوسط رشد جمعیت.

شاخص‌های بخش آموزشی

تعداد دانشجویان به کل جمعیت، تعداد دانش‌آموزان به جمعیت بالای ۱۰ سال شهرستان، نسبت دانش‌آموزان دختر به پسر شهرستان، درصد شاغلین شهرستان بر طبق سواد، درصد باسوادان شهرستان، نسبت باسوادان با تحصیلات عالی به کل باسوادان، نسبت دانش‌آموزان از جمعیت ۶ سال به بالا، درصد زنان باسواد.

شاخص‌های بخش بهداشتی - درمانی

سرانه پزشک برای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، سرانه دندانپزشک برای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت، سرانه تخت بیمارستان برای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت، سرانه شاغلین بخش بهداشت و درمان برای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت.

شاخص‌های بخش مسکن (کالبدی)

درصد مسکن با دوام، نسبت پروانه‌های ساختمانی دو طبقه و بیشتر به کل پروانه‌های صادره، معکوس مسکن دارای ۱ اتاق، نسبت مسکن دارای ۴ اتاق و بیشتر، نسبت واحدهای مسکونی ۱ خانواری.

شاخص‌های کشاورزی

نسبت سطح زیرکشت به مساحت شهرستان، نسبت سطح زیرکشت آبی به کل سطح زیرکشت، سرانه ماکیان به ازای هر بهره‌بردار، نسبت سطح زیرکشت به مساحت شهرستان، نسبت سطح زیرکشت آبی به بهره‌بردار.

شاخص‌های بخش زیربنایی

نسبت کل راه‌ها به مساحت شهرستان، نسبت راه‌های آسفالت به کل راه‌های شهرستان، نسبت راه‌های آسفالت به مساحت شهرستان، نسبت کل راه‌ها برای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت، نسبت راه‌های آسفالت برای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت، نسبت راه‌های شهرستان به مساحت استان، نسبت راه‌های جاده‌ای به مساحت

شهرستان، نسبت راه‌های اصلی به مساحت شهرستان.

شاخص‌های توسعه و عمران روستایی

درصد روستاهای برق‌رسانی شده، درصد روستاهای گازرسانی شده، نسبت کل راه‌های روستایی به کل راه‌های شهرستان، نسبت راه‌های روستایی آسفالت‌ه به کل راه‌های روستایی، نسبت کل راه‌های روستایی به مساحت شهرستان.

شاخص‌های کلی (اقتصادی)

درصد اشتغال، نرخ فعالیت، معکوس بار تکفل، درصد اشتغال زنان، نسبت شاغلین بخش صنعت به کل شاغلین، سهم جمعیت منطقه از استان، درصد شهرنشینی.

شاخص‌های فرهنگی

نسبت کتابخانه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت، نسبت اعضای کتابخانه به جمعیت باسواد شهرستان، نسبت مساجد و حسینیه‌ها به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت شهرستان، نرخ باسوادی زنان در شهرستان، درصد باسوادان دارای تحصیلات عالی به جمعیت باسواد شهرستان، نسبت زنان دارای تحصیلات عالی به مردان دارای تحصیلات عالی.

روش‌ها و مدل‌ها در تعیین درجه توسعه نواحی

اگرچه ممکن است به سادگی بتوان اظهارنظر کرد که ناحیه‌ای از ناحیه دیگر از هر لحاظ توسعه، توسعه‌یافته‌تر یا عقب‌مانده‌تر است، ولی اندازه‌گیری کمی توسعه‌یافتگی کار ساده‌ای نیست. چون واژه توسعه دارای معانی بسیاری است آیا منظور از توسعه‌یافتگی از نظر اقتصادی، اجتماعی، توان‌های محیطی، آموزشی و بهداشتی است یا ترکیبی از این مؤلفه‌ها است. برای تعیین درجه توسعه‌یافتگی مناطق، روش‌های متعددی از جمله شاخص ترکیبی توسعه منابع انسانی مربوط به سازمان ملل متحد «تاکسونومی عددی»، «امتیاز استاندارد شده» و غیره وجود دارد که در این پژوهش از سه روش تاکسونومی، موریس و امتیاز استاندارد استفاده شده است که در اینجا فقط به معرفی دو مدل موریس و امتیاز استاندارد می‌پردازیم.

الف) روش امتیاز استاندارد^۱

از این روش برای مقایسه شاخص‌ها و بدست آوردن یک شاخص واحد از نتایج تلفیقی شاخص‌ها استفاده می‌شود. (موسی کاظمی محمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۳) این روش میزان تفاوت میان نواحی را آشکار می‌سازد. امتیاز استاندارد شده از رابطه ذیل بدست می‌آید:

1- Morris Inequality Index

$$SS_{ij} = \frac{X_{ij} - \bar{X}_i}{\delta_i}$$

در این رابطه:

SS_{ij} برابر با امتیاز استاندارد شده شاخص i در ناحیه j ،

X_{ij} برابر با مقدار شاخص i در ناحیه j ،

\bar{X}_i برابر با میانگین شاخص i ،

و σ_i برابر با انحراف معیار شاخص i است.

در مرحله بعد امتیاز استاندارد شده هریک از شاخص‌های مورد بررسی در هر استان، با هم جمع و نتیجه به تعداد کل شاخص‌ها تقسیم می‌شود. امتیاز بدست آمده، معدل امتیاز استاندارد شده یا شاخص توسعه استان‌ها است که به صورت یک شاخص واحد، امکان مقایسه از نظر وضعیت توسعه را میسر می‌سازد:

$$SS_{ij} = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n SS_{ij}$$

در این رابطه:

SS_j برابر با شاخص توسعه برای استان j و n برابر با تعداد شاخص‌های در نظر گرفته شده است.

ب) شاخص ناموزونی مورس^۱

در این روش با استفاده از داده‌های گردآوری شده برای هر استان، جایگاه توسعه‌یافتگی آن در میان سایر استان‌ها برحسب شاخص‌های انتخابی تعیین می‌گردد و شاخص بدست آمده مدرک رتبه‌بندی کشورها از نظر توسعه نیروی انسانی می‌باشد. (موسی کاظمی محمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۵) در این روش انحراف مقادیر عددی شاخص i در هر منطقه یا استان از حداقل شاخص i در میان مناطق یا استانها، بر دامنه تغییرات آن اخص تقسیم شده، میزان ناموزونی مقدار عددی شاخص، نسبت به شاخص پراکندگی دامنه تغییرات آن $[R = X(\max) - X(\min)I]$ محاسبه می‌شود:

$$M.I.I_{ij} = \frac{X_{ij} - X(\min)_i}{X(\max)_i - X(\min)_i}$$

در این رابطه:

$M. I. I_{ij}$ برابر با مقدار شاخص ناموزونی مورس برای شاخص i در استان j ،

X_{ij} برابر با مقدار عددی شاخص i در استان j ، $X(\min)_i$ برابر با کمترین مقدار شاخص i ،

$X(\max)_i$ برابر با بیشترین مقدار شاخص i است. در مرحله بعد میانگین مقادیر عددی شاخص ناموزونی

مورس برای شاخص‌ها در هر استان به عنوان ملاک تعیین رتبه یا وضعیت توسعه، از بیشترین مقدار (رتبه

اول) تا کمترین مقدار (رتبه آخر)، بکار می‌رود:

رابطه:

$$M.I.I.j = \frac{1}{n} \sum M.I.I.ij$$

در این رابطه:

M. I. I. j برابر با شاخص توسعه برای ناحیه j و n برابر با تعداد شاخص‌های در نظر گرفته شده است.

جدول شماره ۱: رتبه‌بندی استان‌های کشور در بخش‌های مختلف برحسب محاسبات روش موریس و امتیاز استاندارد

رتبه	استان	رتبه	موریس	استان	رتبه	موریس	استان	رتبه	استان
۹	آذربایجان شرقی	۹	۰/۵۴	فارس	۱۰	۰/۵۴	آذربایجان شرقی	۹	فارس
۲۴	آذربایجان غربی	۲۴	۰/۴۲	قزوین	۷	۰/۵۶	آذربایجان غربی	۲۴	قزوین
۱۶	اردبیل	۱۶	۰/۴۶	قم	۸	۰/۵۶	اردبیل	۱۶	قم
۳	اصفهان	۳	۰/۶۳	کردستان	۱۷	۰/۴۶	اصفهان	۳	کردستان
۲۰	ایلام	۲۰	۰/۴۴	کرمان	۲۵	۰/۴۲	ایلام	۲۰	کرمان
۲۳	بوشهر	۲۳	۰/۴۳	کرمانشاه	۱۹	۰/۴۴	بوشهر	۲۳	کرمانشاه
۶	تهران	۶	۰/۵۷	گلستان	۱۴	۰/۴۹	تهران	۶	گلستان
۲۱	چهارمحال و بختیاری	۲۱	۰/۴۴	کهگیلویه و بویراحمد	۲۸	۰/۳۷	چهارمحال و بختیاری	۲۱	کهگیلویه و بویراحمد
۱۲	خراسان جنوبی	۱۲	۰/۵۰	گیلان	۱۸	۰/۴۶	خراسان جنوبی	۱۲	گیلان
۴	خراسان رضوی	۴	۰/۶۱	لرستان	۲۷	۰/۳۷	خراسان رضوی	۴	لرستان
۲۶	خراسان شمالی	۲۶	۰/۳۸	مازندران	۵	۰/۵۸	خراسان شمالی	۲۶	مازندران
۲۲	خوزستان	۲۲	۰/۴۴	مرکزی	۱۱	۰/۵۳	خوزستان	۲۲	مرکزی
۱۳	زنجان	۱۳	۰/۵۰	هرمزگان	۲۹	۰/۳۰	زنجان	۱۳	هرمزگان
۲	سمنان	۲	۰/۶۵	همدان	۱۵	۰/۴۷	سمنان	۲	همدان
۳۰	سیستان و بلوچستان	۳۰	۰/۱۷	یزد	۱	۰/۷۴	سیستان و بلوچستان	۳۰	یزد

جدول شماره ۲: رتبه‌بندی استان‌های کشور در بخش‌های مختلف مبنی بر محاسبات آنالیز تاکسونومی عددی

استان	رتبه	تاکسونومی عددی	استان	رتبه	تاکسونومی عددی
آذربایجان شرقی	۷	۰/۶۵	فارس	۶	۰/۶۵
آذربایجان غربی	۲۲	۰/۸۰	قزوین	۲۳	۰/۸۱
اردبیل	۱۶	۰/۷۷	قم	۱۲	۰/۷۳
اصفهان	۳	۰/۵۷	کردستان	۲۱	۰/۷۹
ایلام	۱۷	۰/۷۸	کرمان	۲۴	۰/۸۲
بوشهر	۲۵	۰/۸۳	کرمانشاه	۱۵	۰/۷۷
تهران	۲۰	۰/۷۹	گلستان	۱۰	۰/۷۲
چهارمحال و بختیاری	۱۸	۰/۷۸	کهگیلویه و بویراحمد	۲۷	۰/۸۸
خراسان جنوبی	۱۴	۰/۷۷	گیلان	۱۳	۰/۷۶
خراسان رضوی	۴	۰/۵۷	لرستان	۲۶	۰/۸۴
خراسان شمالی	۲۸	۰/۸۹	مازندران	۵	۰/۶۴
خوزستان	۱۹	۰/۷۹	مرکزی	۸	۰/۶۸
زنجان	۹	۰/۷۱	هرمزگان	۲۹	۰/۹۷
سمنان	۲	۰/۵۶	همدان	۱۱	۰/۷۳
سیستان و بلوچستان	۳۰	۱	یزد	۱	۰/۵۲

بر اساس محاسبات صورت گرفته بر اساس روش‌های موریس، امتیاز استاندارد و تاکسونومی عددی، ضریب توسعه‌یافتگی هر یک از استان‌های کشور محاسبه شده است. نتایج حاصله از بررسی‌ها نشان می‌دهد که ضریب توسعه‌یافتگی استان‌ها بر اساس روش موریس و امتیاز استاندارد از حداکثر ۰/۷۴ تا حداقل ۱۷ نوسان دارد. به طوری که استان یزد بالاترین میزان برخورداری و استان سیستان و بلوچستان پایین‌ترین میزان برخورداری در بین استان‌های کشور را دارا می‌باشند. استان لرستان با ضریب توسعه‌یافتگی (۰/۳۷) رتبه بیست و هفتم را در بین دیگر استان‌های کشور کسب نموده است.

بر اساس آنالیز تاکسونومی عددی، ضریب توسعه‌یافتگی استان‌ها از حداقل ۰/۵۲ تا ۱ نوسان دارد. در این روش نیز استان یزد رتبه ۱ و استان سیستان و بلوچستان رتبه آخر (۳۰) را کسب نموده است. استان لرستان با ضریب توسعه‌یافتگی ۰/۸۴ رتبه ۲۶ را بین استان‌های کشور دارا می‌باشد.

جدول شماره ۳: رتبه‌بندی استان‌های کشور بر اساس روش موریس و امتیاز استاندارد

ردیف	وضعیت توسعه	استان	تعداد	درصد
۱	برخوردار	یزد، سمنان، اصفهان، خراسان رضوی، مازندران، تهران، قم، قزوین، آذربایجان شرقی، فارس، مرکزی	۱۱	۳۶/۶
۲	نیمه برخوردار	خراسان جنوبی، زنجان، گلستان، همدان، اردبیل، کردستان، گیلان، کرمانشاه، ایلام، چارمحال، خوزستان	۱۱	۳۶/۶
۳	محروم	آذربایجان غربی، کرمان، بوشهر، لرستان، کهگیلویه، خراسان شمالی، هرمزگان، سیستان	۸	۲۶/۶
توسعه یافته‌ترین		یزد		
محروم‌ترین		سیستان و بلوچستان		
استان لرستان		رتبه	وضعیت توسعه	
		۲۷	محروم	

جدول شماره ۴: رتبه‌بندی استان‌های کشور بر اساس روش تاکسونومی عددی

ردیف	وضعیت توسعه	استان	تعداد	درصد
۱	برخوردار	یزد، سمنان، اصفهان، خراسان رضوی، مازندران، فارس، آذربایجان شرقی، مرکزی، زنجان، گلستان، همدان، قم، گیلان	۱۳	۴۳
۲	نیمه برخوردار	خراسان جنوبی، کرمانشاه، اردبیل، ایلام، چارمهال، خوزستان، تهران، کردستان.	۸	۲۷
۳	محروم	آذربایجان غربی، کرمان، قزوین، بوشهر، لرستان، کهگیلویه، خراسان شمالی، هرمزگان، سیستان	۹	۳۰
توسعه یافته‌ترین		یزد		
محروم‌ترین		سیستان و بلوچستان		
استان لرستان		رتبه	وضعیت توسعه	
		۲۶	محروم	

بر اساس محاسبات استان لرستان از لحاظ توسعه‌یافتگی در رده استان‌های محروم کشور به حساب می‌آید. لرستان با وجود ۲/۳۷ درصد از کل جمعیت کشور، تنها ۱/۲ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور را به خود اختصاص داده است و به تناسب جمعیت خود نتوانسته است سهمی مناسب و عادلانه از اقتصاد ملی کسب کند. شاخص نسبت تولید سرانه ملی به تولید سرانه استانی، ۱/۸ برابر است که نشانگر عمق عقب‌افتادگی این استان از حرکت اقتصاد ملی است (اشیری، ۱۳۸۷، ص ۳).

مطابق گزارش معاونت برنامه‌ریزی وزارت صنایع و معادن در موضوع «رتبه‌بندی استان‌های کشور به لحاظ توسعه‌یافتگی صنعتی» که در آن شش شاخص ارزش افزوده فعالیت صنعتی و معدنی، میزان سرمایه‌گذاری واحدهای فعال صنعتی و معدنی، میزان سرمایه ثابت طرح‌های دارای حداقل ۶۰ درصد پیشرفت، میزان اشتغال واحدهای فعال صنعتی و معدنی، میزان اشتغال طرح‌های دارای حداقل ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی و مساحت فاز عملیاتی در شهرک‌های صنعتی مورد استفاده قرار گرفته است، استان لرستان در این رده‌بندی، طی سال‌های ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵ و ۸۶ به ترتیب حائز رتبه‌های ۲۰، ۲۱، ۲۱، ۲۳ و ۲۴ گردیده است.

این نتایج حاکی بر روند فقه‌رایبی توسعه‌یافتگی صنعتی در لرستان است. گزارش‌های آماری حاکی از آن است که استان لرستان در سال ۱۳۸۵ بیشترین نرخ بیکاری را در سطح کشور به خود اختصاص داده و نکته‌ی قابل ملاحظه آنکه، این شاخص تقریباً دو برابر نرخ بیکاری کشور بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶). فرآیند اشتغال‌زایی در این استان با مشکلات اساسی روبرو بوده است چرا که میزان سرمایه‌گذاری در استان ۰/۵ درصد و میزان اشتغال صنعتی ۰/۹ درصد بوده که این رقم نشان می‌دهد لرستان در بین استان‌های کشور از لحاظ توسعه‌یافتگی بسیار عقب است و این استان در رتبه‌ی ۲۴ صنعتی کشور قرار دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد فعالیت‌های اقتصادی استان با اعتبارات دولتی پیوند حیاتی دارد و از این جهت وابسته و آسیب‌پذیر شده است. با این وجود همواره سهم هزینه‌های عمرانی استان از کل کشور کمتر از سهم جمعیت استان در کل کشور بوده به عنوان نمونه طی برنامه‌های اول و دوم توسعه، سرانه اعتبارات عمرانی استان، یک دوم سرانه اعتبارات عمرانی کشور بوده است. همچنین این نکته نیز قابل تأمل است که سهم هزینه‌های دولت در استان نسبت به کل کشور معادل ۰/۹۴٪ در برنامه اول و ۰/۶۳٪ برنامه دوم بوده است (عزتی، ۱۳۸۰، ص ۱۲). عمده‌ی صادرات استان شامل سنگ‌های معدنی و محصولات دامی و کشاورزی، اغلب به صورت خام و فرآوری شده‌اند که نشانگر ساختار غیرصنعتی استان است. ساختار جوان جمعیت و نرخ بیکاری بالا، موجب بالا رفتن ضریب بار تکفل شده است و در نتیجه تناسب بین درآمد و هزینه خانوارها را برهم زده و در نهایت مانع از ایجاد پس‌انداز و سرمایه‌گذاری قابل توجه در استان شده است. به طوری که نرخ پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در استان بسیار کمتر از متوسط کشور است.

این در حالی است که پس انداز محدود استان نیز به طور عمده از نوع سپرده کوتاه مدت و سپرده قرض الحسنه می‌باشد. با توجه به رابطه‌ی مستقیم میان توسعه‌نیافتگی گردشگری و عدم سرمایه‌گذاری دولت در زیرساخت‌های مناسب گردشگری و علی‌رغم قابلیت‌های فراوان و بسیار جذاب گردشگری در این استان، شاهد عدم شکوفایی و توسعه‌نیافتگی صنعت گردشگری در این استان هستیم (مدهوشی و ناصرپور، ۱۳۸۲). در نتیجه‌ی کم توجهی به علت‌های بنیادین توسعه‌نیافتگی در عرصه ملی عموماً و در استان لرستان خصوصاً، مدارهای مولد عقب‌ماندگی استمرار داشته‌اند و مشکلات و معضلات اساسی در پیش روی مدیریت اقتصادی استان در سه دهه پیش، هنوز هم همان معضلات و مشکلات هستند.

در عین حال که در اسناد برنامه‌ای پیشین استان مکرراً به تنگنانهایی نظیر شیوه‌ی تولید سنتی، کمبود نیروی انسانی ماهر، ضعف زیرساخت‌های توسعه‌ای، ضعف کارآفرینی و کمبود سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی، وجود برخی مسائل قومی - قبیله‌ای بازدارنده و ضعف دانش فنی اشاره می‌شود، بدون کمترین تغییری همین معضلات و تنگنانه‌های توسعه‌ای در آخرین سند توسعه‌ای استان مورد توجه قرار می‌گیرند (سند ملی توسعه استان لرستان، ۱۳۸۴).

نتیجه‌گیری

در اغلب موارد چنانچه توسعه در چند ناحیه کلان شهری متمرکز گردد، نواحی وسیعی در محدوده یک کشور، از توسعه و منافع حاصله، سهمی ناچیز عایدشان می‌گردد و یا کاملاً متضرر می‌گردند. نتیجه چنین توسعه‌ای، افزایش رفاه اقلیت مرفه و نیازمندی بیشتر اکثریت خواهد بود. در نتیجه‌ی کم توجهی به علت‌های بنیادین توسعه‌نیافتگی در عرصه ملی عموماً و در استان لرستان خصوصاً، مدارهای مولد عقب‌ماندگی استمرار داشته‌اند و مشکلات و معضلات اساسی در پیش‌روی مدیریت اقتصادی استان در سه دهه پیش، هنوز هم همان معضلات و مشکلات هستند.

نتیجه آنکه با گذشت روندهای مدیریتی مختلف و صرف هزینه‌های مالی، اعتباری و انسانی فراوان، هنوز معضلات و تنگنانه‌های اساسی توسعه‌ی استان لرستان، پای برجا بوده است و شهرستان‌های مختلف استان لرستان با مسائل و مشکلات متعدد در بخش‌های مختلف اقتصادی مواجه می‌باشند.

از همین روی، توجه به علل تداوم مدارها و مسیرهای ضد توسعه‌ای بسیار کلیدی و با اولویت تلقی می‌شوند. بر اساس مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته، مجموعه علل تداوم توسعه‌نیافتگی در استان لرستان را می‌توان در عدم کارکرد متعادل پنج نظام مورد توجه قرار داد. ناهنجاری نظام تولید و فرآیندهای انباشت سرمایه، ناهنجاری نظام تولید اندیشه و فن‌آوری، ناهنجاری نظام تصمیم‌گیری و تخصیص منابع، ناهنجاری نظام توزیع منافع، ناهنجاری نظام مسئولیت‌پذیری و مشارکت عمومی دانست.

منابع

- ۱- اشیری، سعید، ۱۳۸۷، مجموعه گزارش‌ها و تحلیل‌های اقتصادی در واکاوی توسعه نیافتگی لرستان، انتشار یافته در وب سایت روز وب، www.roozweb.ir.
- ۲- پاپلی یزدی، محمد حسین و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲، نظریه‌های شهر و پیرامون، انتشارات سمت.
- ۳- تودارو، مایکل توسعه اقتصادی در جهان سوم، ۱۳۶۴، مترجم غلامعلی فرجادی، جلد اول، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- ۴- حمصی، محمد، ۱۳۶۰، بحثی پیرامون عوامل مؤثر در مهاجرت نیروی انسانی در ایران، نشریه انجمن جغرافیدانان ایران، دوره اول، شماره ۳.
- ۵- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۴، سند ملی توسعه استان لرستان، مصوب هیات وزیران.
- ۶- صباغ کرمانی، مجید، ۱۳۸۰، اقتصاد منطقه‌ای، انتشارات سمت، تهران.
- ۷- صرافی، مظفر، ۱۳۷۹، مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- ۸- عزتی، مرتضی و همکاران تحقیقاتی، ۱۳۸۰، طرح جامع توسعه استان لرستان، پژوهش تفصیلی پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و معاونت برنامه‌ریزی استان لرستان.
- ۹- عسگری، علی، ۱۳۸۰، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ۱۰- کلانتری، خلیل، ۱۳۸۰، برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها)، چاپ اول، تهران، انتشارات خوشبین.
- ۱۱- گای، درام، مایکل هاپکینز و دونالد مک گراناها، ۱۳۷۱، بررسی شاخص‌های انسانی و اجتماعی توسعه، ترجمه مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، روستا و توسعه، شماره ۴.
- ۱۲- مدهوشی، مهرداد و نادر ناصرپور، ۱۳۸۲، ارزیابی موانع توسعه صنعت گردشگری در استان لرستان، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۸.
- ۱۳- مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، شاخص‌های اقتصادی استان‌های کشور.
- ۱۴- موسی کاظمی محمدی، سید مهدی، ۱۳۸۰، ارزیابی توسعه پایدار در توسعه شهری: شهر قم، پایان‌نامه دکتری به راهنمایی دکتر حسین شکوئی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۵- مومنی، فرشاد، ۱۳۸۰، نگاهی به مسائل اقتصاد ایران و راهکارهای آن، مقاله ارائه شده در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، انتشار یافته در وب سایت مرکز مطالعات دین و اقتصاد.
- ۱۶- مومنی، فرشاد، ۱۳۸۵، توسعه روستایی - نگاه از بلندای تاریخ، فصلنامه اقتصاد و جامعه، شماره ۱۰.
- ۱۷- مومنی، فرشاد، ۱۳۸۶، اقتصاد ایران در دوران تعدیل ساختاری، تهران، انتشارات نقش و نگار.